


بارون میاد جرجر

کتابهای
یادگاری ۵





بارون می یاد جر جر
باغچه نفس می کشه
تشنگی از رو گلدون
دستشو پس می کشه

بارون غذای خاکه
غذای هر درخته
اما مامانم می گه
لباس رو بند رخته

می ره به زیر بارون
اونها رو بر می داره
آخه مگه مامان جون
بارونو دوست نداره؟